

((۷))

اقتصاد اسلامی

در حوزه علمی قم



بایدها و اصول نظام اقتصادی اسلام

۱- اصل مالکیت متنوع

۲- آزادی در کار و در ارزشهای اسلامی

سیستم سرمایه‌داری به "مالکیت فردی" بعنوان یک اصل و قاعده عمومی معتقد است، و لذا به افراد جامعه خود امکانات وسیعی می‌دهد که به فعالیت‌ها و تلاشهای گوناگون بپردازند تا هر چه می‌توانند انواع ثروتها را به مالکیت خویش در بیاورند و "مالکیت عمومی" در این سیستم جز در مواردی که ضرورت ایجاب کند مورد قبول نیست و فقط در مواردی که ضرورتی پیش بیاید ناگزیری از منابع درآمدها با ثروت معین دیگر را از دایره مالکیت خصوصی خارج دانسته آنرا ملی اعلام می‌کنند.

بنابراین آنچه در این سیستم تنها اصل است اسلام برای کار و کوشش و فعالیت های اقتصادی ثواب و فضیلت بسیار و میدان عمل وسیعی قائل است.

مالکیت خصوصی است، وطنی کردن یک ثروت بعنوان یک حالت استثنائی و رفع ضرورت اجتماعی پذیرفته شده است.

سیستم سوسیالیستی درست عکس جامعه سرمایه‌داری است. در این سیستم مالکیت عمومی بعنوان یک اصل کلی شامل کلیه ثروت‌های کشور از قبیل زمینها، معادن، دریا، چاهها، جنگل، کارخانه و محصولات آن، و رودخانه و غیره می‌گردد و به مالکیت خصوصی بصورت

بنابراین اگر احیاناً یک قانون که جز اقتصاد کمونیستی یا کاپیتالیستی است در اسلام نیر عیناً وجود داشته باشد نباید چنین تصور کرد که اقتصاد اسلام با اقتصاد کمونیستی با کاپیتالیستی مشابهت دارد، با اینکه همین یکدیگر می‌باشند.

زیرا اقتصاد اسلامی - چنانکه گفتیم - از یک مجموعه و از یک کل تشکیل یافته است که این مجموعه در پیهم رفته با اقتصاد کاپیتالیستی و کمونیستی کاملاً مغایر است و میان آنها و این مجموعه هرگز مشابهتی وجود ندارد.



بهترین راه شناخت "نظام اقتصادی اسلام" در مقایسه با مکاتب اقتصادی دیگر شناختن بایدها و اصولی است که این نظام شکر بر آنها استوار گردیده است.

اینک به شرح بایدها و اصولی که نظام اقتصادی اسلام بر آنها استوار شده است می‌پردازیم:

الف - اصل مالکیت متنوع:

برای توضیح این مطلب باید توجه داشت که

البته توجه به این نکته نیز لازم است که "نظام اقتصادی اسلام" در حقیقت مجموعی است از بایدها و قوانین و مفاهیم که آنها را پیهم رفته در ارتباط با اصول و ضوابط دیگر اسلام این نظام را تشکیل می‌دهند.

استثنا و بطور نا در در بعضی از موارد اعتراف می کنند .

بر اساس این دو اصل که بطور کلی مورد قبول این دو مکتب است ، در جامعه سرمایه داری اصل عمومی مالکیت فردی ، و در جامعه سوسیالیستی اصل عمومی مالکیت اشتراکی است .

اما نظام اقتصادی اسلام نه با سیستم سرمایه داری که مالکیت خصوصی را تنها اصل می داند موافق است ، و نه با جامعه سوسیالیستی که مالکیت اشتراکی را یک قاعده اساسی و عمومی می داند عمیقاً عقیده است ، بلکه این مکتب آسمانی برای پی ریزی یک اقتصاد کامل

مکتب آسمانی برای پی ریزی یک اقتصاد کامل و سعادت آفرین از آغاز مالکیت رابه سه شکل مختلف قائل گردیده و هر یک از این ۳ نوع را بطور مستقل در برابر هم قرار داده و برای هر یک از آنها میدان عمل مخصوصی بوجود آورده

و سعادت آفرین از آغاز مالکیت رابه ۳ شکل مختلف قائل گردیده و هر یک از این ۳ نوع را بطور مستقل در برابر هم قرار داده و برای هر یک از آنها میدان عمل مخصوصی بوجود آورده و بر هر یک از آنها فروع و قوانین مخصوصی مترتب ساخته ، و بالاخره هر یک از آنها را پایه نوعی از ارزشها و مفاهیم معینی قرار داده است .
انواع سه گانه مالکیت از نظر اقتصاد اسلامی بدین شرح است :

۱- مالکیت دولتی

کلیه ثروتی که در فقه اسلامی " انفال " نامیده می شود از قبیل دریاها ، دریاچه ها ،

رودخانه ها و سایر آبهای عمومی ، جنگل ها ، نیزارها ، بیشه های طبیعی ، کوهها ، معادن ، زمینهای موات ، زمینهای کده صاحب معین ندارد مرانی که حوزیم نیست و همچنین ارض بدون وراثت و اموال مجهول المالك و اموالی که از غاصبین مسترد می شود (صاحبان اصلی آنها معلوم نیست) همه اینها در سطره مالکیت دولتی است ، یعنی در اختیار حکومت اسلامی است تا بر اساس مصالح عمومی و اهداف انسانی که مورد نظر اسلام است با برنامه ریزی کامل مورد استفاده و بهره برداری قرار بگیرد .

۲- مالکیت خصوصی

اسلام برای کار و کوشش و فعالیت های اقتصادی ثواب و فضیلت بسیار و میدان عمل وسیعی قائل ، و به مالکیت خصوصی افرادی که در سایه تلاش خود بر اساس ضوابط معینی اموالی را بدست می آورند معتقد است ، و تصریح فاتاتان را در این اموال تحت شرایط معینی نافذ و صحیح می داند .

۳- مالکیت عمومی

زمینهای بادی را که لشکریان اسلام در هنگام جنگ با کفار یا قهروغلبه از آنها گرفته و جز قلمرو زمینهای اسلام کرده اند و جنگ هم با اذن ولی امر مسلمین صورت گرفته باشد همه مسلمانان بعنوان مالکیت عمومی مالک می باشند این قبیل زمینها تحت اختیار حکومت اسلامی که سرپرست امور مسلمانان است قرار می گیرند تا برای پی ریزی کلیه امور به بهره برداری قرار داده عبادات آنها را در راه نامین مصالح عمومی مسلمانان از قبیل ساختن پلها ، مدارس ، بیمارستانها ، و تاسیس راههای مورد نیاز خرج نماید .

یک اشتباه بزرگ

با توضیحی که داده شد این نکته روشن گردید که برخی از افراد همینقدر که می بینند دین اسلام برای قسمتی از اموال و ثروتها و همچنین برای برخی از ابزار تولید ، مالکیت خصوصی قائل است نظام اقتصادی اسلام را

متمم ساخته و آنرا نظام سرمایه داری نامیده اند مرتکب اشتباه بزرگی شده اند ، چنانکه بعضی دیگر نیز بمناسبت اینکه اسلام برای قسمتی از اموال مالکیت عمومی و اشتراکی قائل گردیده است آنرا متمم کرده و نظام سوسیالیستی اش نامیده اند مرتکب همین اشتباه بزرگ شده اند .

زیرا شکل مالکیت خصوصی و همچنین مالکیت عمومی در نظر اسلام قاعده و اصل عمومی نیست و مالکیت در اسلام دارای اشکال گوناگون است ، در صورتی که در جامعه سرمایه داری مالکیت خصوصی " و در جامعه سوسیالیستی مالکیت عمومی " اصل کلی و عمومی است ، و اگر احیاناً

مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی در نظر اسلام قاعده عمومی نیست مالکیت در اسلام دارای اشکال گوناگون است در صورتیکه در جامعه سرمایه داری مالکیت خصوصی و در جامعه سوسیالیستی مالکیت عمومی است .

تغییر و تخیلی نسبت به آنها در برخی از موارد مشاهده می شود این تغییر و تخیل بطور استثنائی و ندرت است .

ب- آزادی اقتصادی در چهارچوب ارزشهای معنوی و اخلاقی اسلام :

برای توضیح کیفیت آزادی اقتصادی در اسلام توجه به این نکته مهم لازم است که شالوده اساسی سیستم کاپیتالیستی و زیربنای آن عبارت از آزادی اقتصادی است .

این سیستم نه تنها آنرا شعار خود قرار داده

که فقط برداشت می‌خواهد و نیاز به کار و استخراج نیست، مانند نمک و نفتی که از زیر زمین بیرون زده و امثال اینها) اینگونه معادن، از نمونه‌های بارز مواد مصرفی آماده در طبیعت است که در استخراج، مالکیت به وجود می‌آید و مالکیت آنها منوط به احیاء نیست. زیرا خود آن زنده است و حتی تحجیر هم در اینجا بی اثر است (۴)، زیرا حق تحجیر بعنوان مقدمه احیاء اولویت می‌آورد و چیزی که احیاء ندارد، تحجیر هم نخواهد داشت. دسته دیگر معادنی است که نیاز به استخراج دارد، و این نوع معادن فعلاً از محور بحث ما بیرون است.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا دولت اسلامی می‌تواند معادن دسته اول را به اشخاص واگذار کند، و اگر واگذار کرد، مخصوص

است) و ما آنرا در کتب فقهی بصورت ارسال مسلم می‌بینیم، حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرموده:

”من سبق الي مال لم يسبق اليه مسلم فهو له“

هر کس رفت چیزی را برداشت، قبل از اینکه مسلمانی آنرا بردارد، آن چیز مال او است.

بنابراین، هم منطبق فطرت، حیات را به عنوان دومین منشا مالکیت می‌پذیرد، و هم دین فطرتاً ترا موردنا باید قرار می‌دهد.

ادامه دارد

۱- البته روی حیات با یددقت بیشتری کرد در فرض مورد بحث، بگوئیم حیات را در موقع کمبود منشا مالکیت می‌دانیم، ولی می‌گوئیم مالک با ید از مال خود بدو شش و دیگران بدهد این یک نظریه است. بگوئیم هم می‌گوئیم اصولاً آقای آلف در موقع کمبود، بیش از یک سبب

امام باقر (ع) فرمود: معادن، جنگل‌ها، بیشه‌ها، زمین‌هایی که هنوز صاحب ندارند، و یا صاحب داشته اند ولی از زمین رفته اند، دره‌ها، و قله کوه‌ها همه متعلق به امام است، یعنی از آن دولت و امت اسلامی است. و مالکیت آن عمومی است و همه مردم در آن شریکند

آن شخص می‌شود؟ این هر دو، قابل تردید، و محل بحث است. سؤال اصلی این است که آیا هر کس زودتر رفت به سراغ این معادن، حق دارد به اندازه نیازش بردارد؟ بعضی از فقهای ما می‌گویند: به اندازه نیازش می‌تواند بردارد، اما روشن نگرداند که آیا این حکم به آن اعتبار است که انگیزه‌ای برای برداشت بیش از حد نیاز نیست؟ یا آنکه مطلب بالاتر از این است، یعنی حق دارد تنها به اندازه نیاز بردارد، و بیش از حد نیاز، اگر انگیزه‌ای هم وجود داشته باشد، حق ندارد برداشت کند؟ اینها مسائلی است که لازم است فقها پیرامون آنها بطور گسترده بحث نمایند. علاوه بر دلیل فقهی این موضوع (حیات منشا مالکیت

را مالک نمی‌شود، این هم بگونه تفکر است، اما آنچه مسلم است منطبق فطرتی، مالکیت او را در موقع کمبود، روی همه سببها تأیید نمی‌کند.

۲- در کتاب "تهذیب" (یکی از کتب اربعه) بجای کلمه "ناس"، "مسلمین" است و روایت مزبور بصورت زیر از امام کاظم (ع) نقل شده است:

"احمد بن محمد عن محمد بن عثمان، عن أبي الحسن (ع) ان المسلمين شرکة فی الماء والنار والکسب"

۳- در روایت شماره ۲۶۴، جمله "و یطون الاودیة" و در روایت شماره ۲۶۵ عبارت "روى لجمال و یطون الاودیة و الا جام" آمده است، به همین جهت در ترجمه روایت ۲۷۳ جمله "دره‌ها و قله‌های کوهها" افزوده شد.

۴- مقصود از "تحجیر"، در فقه اسلامی، سنگ‌چینی، سیم‌کشی، دور زدن و امثال اینها است که آبادکننده زمین بی صاحب، ابتدا به آن اقدام می‌کند تا مشخص شود، و شخص دیگری آنرا حیات نکند.

دنباله: اقتصاد اسلامی

بلکه تمام قوانین علمی اقتصاد سرمایه داری تفسیری است از واقعیتی که در چهارچوب این آزادی مجسم گردیده است.

و بطور کلی آزادی‌ای که اساس کاپیتالیستی را تشکیل می‌دهد در این ۳ مرحله خلاصه می‌شود:

- ۱- آزادی در تولید و تحصیل ثروت:
- نظام سرمایه داری به افراد امکان و اجاره می‌دهد که از هر راهی در تولید و تحصیل ثروت بکوشند و در این راه حتی عناصر تولید از قبیل زمین و ابزار و دریا و معادن و غیره را نیز در شاع نسبتاً وسیعی به مالکیت خصوصی خود در می‌آورند.
- ۲- آزادی در افزایش دادن ثروت‌های موجود:

سیستم کاپیتالیستی به فردی این فرصت و امکان را می‌دهد از هر طریقی که بخواهد با وسائل و اسلوب‌های مختلف به استسما و افزایش دادن ثروت خود اقدام نماید.

۳- آزادی در مصرف کردن اموال:

این سیستم آزادی در مصرف کردن اموال را بطور وسیع تجویز می‌کند بطوریکه هر فردی آزادی دارد که به هر نحو بخواهد برای رفع هر گونه نیاز و خواسته‌های خوش اموال خود را خرج کند، فقط دولت گاهی می‌تواند بخطر ناسین برخی ارمالیح عمومی از مصرف کردن بعضی از کالاها جلوگیری کند.

آزادی با این وسعت که گفته شد زیربنای سیستم کاپیتالیستی است، اما شرح این مطلب کفایت نظر به و مکتب بر اساس کدام دلیل و برهان استوار گردیده است، و همچنین آزادی‌ای که مورد نظر اسلام است به فرصت دیگر موقوف می‌گردد.

ادامه دارد

